

عدالت از منظر آیات و روایات

دانش پژوه: خادم حسین صالحی. ۱۳۹۲/۶/۲۴

چکیده. دانلود

عدل و عدالت، یکی از مهم‌ترین مسائل، مادی و معنوی، فردی و اجتماعی است که در صورت تحقق آن، بسیار از مشکلات بشری اعم از مسائل سیاسی، اقتصادی، نظامی، اخلاقی، اعتقادی، اجتماعی و... بر طرف می‌گردد؛ و بسیار از نیازهای بشری برآورده می‌شود.

بنابراین، این پژوهش با رویکرد مبتنی بر قرآن و روایات معصومین (ع)، به بررسی مفاهیم لغوی و اصطلاحی عدالت، اهمیت عدالت، مبانی عدالت، اقسام عدالت و آثار عدالت، و نیز نشانه‌های افراد عادل، تحت عنوان «عدالت از منظر آیات و روایات»، در یک مقدمه و هفت اصل، پرداخته است.

واژگان کلیدی

۱- مفهوم عدالت، ۲- اهمیت عدالت، ۳- مبانی عدالت، ۴- اقسام عدالت، ۵- آثار عدالت، ۶- نشانه‌های افراد عادل.

مقدمه

این حقیقتی است انکارناپذیر که عدالت به عنوان یک امری فطری، از مسائلی است که همواره توجه بشر را به خود جلب کرده است و سابقه‌ای به قدمت عمر بشر دارد، به گونه‌ای که همه انسان‌های عاقل، از آغاز تاکنون، در اندیشه برقراری عدالت اجتماعی و مبارزه با ستم بوده است؛ وهم چنین بعثت انبیا و تشریح ادیان الهی به هدف تحقق قسط و عدل بوده است، چنانکه خداوند متعال این مهم را متذکر شده‌اند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (۱). ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند. عدالت یکی از

۱- حدید (۵۷) آیه ۲۵.

صفات خداوند متعال و از اصول اعتقادی ما مسلمانان است. در اسلام عدالت از اهمیت فوق‌العاده بر خور دار است و لذا بنده بر آن شدم که مقاله‌ای تحت عنوان «عدالت از منظر آیات و روایات» در اختیار تشنگان علم و فضلت قرار دهم.

از خداوند مهربان عاجزانه مسألت دارم که این عمل کوچک را از این جانب بی پذیرد. انشا الله به زودی با ظهور آخرین ذخیره الهی حضرت بقیة الله الا عظم، عجل الله تعالی، ظهوره و فرجه، همه جهان را عدل و داد فرا گیرد. آمین یارب العالمین.

سؤال اصلی تحقیق

عدالت چه جایگاهی در اسلام دارد؟

سؤالات فرعی تحقیق

الف. عدالت چیست؟

ب. مبانی عدالت کدام است؟

ج. ثمره عدالت چیست؟

۱- مفهوم عدالت

الف. در لغت

العدل من الناس: شخص که روش مستقیم او مورد خشنودی مردم است؛ و به حق حکم نمودن. (۱)
 عدل: لفظی است که در حکم و معنی مساوات است و به اعتبار نزدیک بودن معنی عدل به مساوات، در آن مورد هم بکار می‌رود. (۲)

عدل، میانه‌روی در امور؛ و آن خلاف ظلم و ستم است (۳).

عدل، خلاف جور و ستم است. گفته می‌شود: در قضیه، نسبت به او با عدالت رفتار نمود، پس او عادل است. (۴)

۱- فراهید، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق) العین. چاپ دوم. قم: نشر هجرت.

۲- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). مفردات الفاظ القرآن. چاپ اول. بیروت: دار العلم.

۳- فیومی، احمد بن محمد (؟). المصباح المنیر. چاپ دوم. قم: دارالهیجره.

۴- جوهری، اسماعیل بن حماد (؟). الصحاح. تحقیق احمد عبد الغفور. چاپ اول. بیروت: دارالعلم للملایین.

عدل آن چیزی است که در نظر نفوس، کار درست و استواری است. عدل، حکم نمودن به حق است. (۱).
 عدل، حکم نمودن به درستی و مساوات؛ و ضد جور و ستم است. وقتی می‌گوید: (عدل فی رعیت) یعنی فلانی
 در باره رعیتش عدالت ورزیده. یا می‌گوید: (یوم معتدل) روز معتدل است، یعنی دو حالت گرمی و سردی آن
 مساوی است (۲).

عدل: یعنی موازنه و برابری (۳). چنانکه پیامبر اسلام (ص) فرمود: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ» (۴). یعنی با
 موازنه و برابری اجزاء عالم، آسمان‌ها و زمین ایستاده‌اند.

بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت اصل واحد در ماده عدل، حد وسط میان افراط و تفریط است، به
 گونه‌ای در آن تساوی و برابری وجود داشته باشد که حق از بین نرود. این معنا را می‌توان در همه تعاریفی که
 اهل لغت بیان کرده‌اند قابل انطباق دانست.

مولانا با تمثیل‌هایی دقیق و شاعرانه، عدل را این گونه تعریف می‌کند:

عدل چه بود؟ آب ده اشجار را ظلم چه بود؟ آب دادن خار را

عدل، وضع نعمتی در موضعش نه به هر بیخی که باشد آب کش

ظلم چه بود؟ وضع در نا موضعی که نباشد جز بلا را منبعی

موضع رخ، شه نهی، ویرانی است موضع شه، اسب هم نادانی است

عدل چه بود؟ وضع اندر موضعش ظلم چه بود؟ وضع در نا موقعش (۵).

ب. در قرآن:

عدل در قرآن مفهوم گسترده دار و از جمله مفاهیم که در قرآن آمده‌اند عبارتند از:

۱. تناسب و اعتدال، «الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ» (۶). آن خدایی که تو را به وجود آورد و به صورتی تمام

و کامل بیاراست و به اعتدال (اندام و تناسب قوا) برگزید.

۱- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ ق). لسان العرب. چاپ سوم. بیروت: دار صادرات.

- ابن فارس، احمدبن فارس (۱۴۰۴ ق). معجم مقاییس اللغة. تحقیق هارون، عبدالسلام محمد. چاپ اول. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

۳- قرشی بنایی، علی اکبر، (۱۴۱۲ ق). قاموس قرآن، ج ۴، ص ۳۱۰. چاپ: ششم. تهران: دار الکتب اسلامیة.

۴- ابن ابی جمهور، محمدبن زین الدین، (۱۴۰۵ ق). عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة. تحقیق: عراقی، مجتبی، ج ۴، ص ۱۰۳. چاپ اول قم: دارسید الشهداء للنشر.

۵- مولوی، جلال الدین محمد بن محمد (۱۳۷۹). مثنوی معنوی. چاپ دوم. تهران: گیتی.

۶- انفطار (۸۲) آیه ۷.

۲. برابری و تساوی در حقوق، «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَآ حِدَةً»^(۱). و اگر بیم آن دارید که به عدالت رفتار نکنید تنها یک زن بگیرید.

۳. شریک، «ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ»^(۲). باز کافران به پروردگار خود شرک می‌آورند. «وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ»^(۳). آن افرادی که به عالم آخرت ایمان نمی‌آورند و برای پروردگار خود شریک قائل می‌شوند.

۴. حکم و دادگری، «وَمِنْ قَوْمٍ مُوسَىٰ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ»^(۴). و جماعتی از قوم موسی هستند که به دین حق هدایت کنند و به آن دین حکم و دادگری نمایند.

۵. انحراف، «بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ»^(۵). بلکه آنان قومی منحرفند.

۶. فدیة و عوض، «وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ»^(۶). نه از او شفاعتی پذیرفته، و نه به جای وی بدلی گرفته می‌شود و نه یاری خواهند شد.

ج. در روایات:

عدل در روایات نیز مفهوم گستره دارد که در ذیل به بعضی آن‌ها اشاره می‌شود:

امام علی (ع) عدل را این گونه تعریف می‌کند: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا»^(۷). عدالت، آن است که هر چیزی در جای خودش قرار گیرد. یعنی در تقسیم کار، مسئولیت‌ها، منابع و بیت‌المال، بدون هرگونه تبعیضی نژادی، قومی و جغرافیایی، لیاقت‌های افراد از نظر توانای‌های علمی و جسمی، صداقت، شجاعت و امانت داری در نظر گرفته شوند؛ و همین گونه در قضاوت کردن، باید بدون هرگونه تبعیضی به حق حکم شود. امام علی (ع) در تفسیر آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»^(۸). خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد،

^۱ - نساء (۴) آیه ۳.

^۲ - انعام (۶) آیه ۱.

^۳ - همان، آیه ۱۵۰.

^۴ - اعراف (۷) آیه ۱۵۹.

^۵ - نمل (۲۷) آیه ۶۰.

^۶ - بقره (۲) آیه ۴۸.

^۷ - شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغه، تحقیق: صالح، صبحی، حکمت، ۴۳۷، ص ۵۵۳.

^۸ - نحل (۱۶) آیه ۹۰.

فرمود: «الْعَدْلُ الْإِنصَافُ، وَالْإِحْسَانُ التَّفَضُّلُ» (۱). عدالت، همان انصاف است و احسان همان بخشش و تفضل می‌باشد. انصاف یعنی این که حق ضایع نشود، چه حق الله و چه حق الناس. امام علی (ع) در تعریف و تقسیم‌بندی دقیق و جامع عدل می‌فرماید: «الْعَدْلُ مِنْهَا عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ عَلَى غَائِصِ الْفَهْمِ وَ غَمْرَةِ الْعِلْمِ وَ زَهْرَةِ الْحُكْمِ وَ رَوْضَةِ الْحِلْمِ. فَمَنْ فَهِمَ فَسَّرَ جَمَلَ الْعِلْمِ وَ مَنْ عَلِمَ عَرَفَ شَعَائِرَهُمُ الْحُكْمِ وَ مَنْ حَلَّمَ لَمْ يُفْرِطْ أَمْرَهُ وَ عَاشَ بِهِ فِي النَّاسِ حَمِيدًا» (۲). حضرت علی (ع)، ایمان را بر چهار پایه و اساس تقسیم می‌فرماید؛ و عدل را یکی از ارکان ایمان می‌شمارد و برای عدل، چهار شعبه قرار می‌دهد: دقت در فهم، غور در علم و دانش، قضاوت صحیح و حلم و بردباری ثابت و پا بر جا. حضرت در بیان شعب عدل می‌فرماید: آن کس که خوب بفهمد، به اعماق دانش آگاهی پیدا می‌کند و کسی که به عمق علم برسد، از سرچشمه‌ی احکام سیراب باز می‌گردد؛ و آن کس که حلم و بردباری داشته باشد، در کار خود تفریط و کوتاهی نمی‌کند و در میان مردم با آبرومندی و ستودگی زندگی خواهد کرد.

امام صادق (ع) در پاسخ پرسشگری که گفت: «بنیاد دین، توحید و عدل است... پس درباره‌ی این دو چیزی بفرما که فهمیدنش آسان باشد» فرمود: «أَمَّا التَّوْحِيدُ فَأَنْ لَا تُجَوِّزَ عَلَى رَبِّكَ مَا جَازَ عَلَيْكَ، وَأَمَّا الْعَدْلُ فَأَنْ لَا تَتَسَبَّبَ إِلَى خَالِقِكَ مَا لَا مَكَّ عَلَيْهِ» (۳). توحید، آن است که آنچه را بر تو رواست، بر خدا روا نداری، و عدل، آن است که به آفریدگارت چیزی را که با آن تو را سرزنش کرده نسبت ندهی.

امام صادق در تبیین عدل خداوند برای هشام بن حکم آن را مقدم بر توحید ذکر نموده و می‌فرماید: «مِنْ الْعَدْلِ أَنْ لَا تَتَّهَمَهُ، وَمِنْ التَّوْحِيدِ أَنْ لَا تَتَوَهَّمَهُ» (۴). عدل، این است که خدا را متهم نکنی و توحید، این است که او را (به هیچ کیفیتی) تصوّر نکنی.

د. عدالت از دید گاه مفسرین

^۱ - نهج البلاغه، حکمت ۲۳۱.

^۲ - ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال، (۱۴۱۰ ق). الغارات (ط - القديمة). تحقیق: حسینی، عبد الزهراء، ج ۱، ص ۸۱. چاپ اول. قم: دار الکتب اسلامی.

^۳ - طبرسی، ابی الفضل علی (۱۳۸۵ ش) مشکاة الانوار فی غرر الاخبار ص ۱۰. چاپ دوم. نجف: المكتبة الحیدریه. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۷ ش) التوحید. تحقیق، حسینی، هاشم، ص ۹۶. چاپ اول. قم: جامعه المدرسین.

^۴ - مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق) بحار الانوار، ج ۵، ۵۸. چاپ دوم. بیروت: مؤسسه الوفاء.

عدالت: در اصطلاح مفسرین، عدالت عبارت است از اینکه «حق هر صاحب حقی را به او بدهند، و هرکسی به حق خودش که لایق و شایسته آن است برسند، نه ظلمی به او بشود و نه او به کسی ظلم کند» (۱).
«عدل یعنی چیزی از جنس خودش، یعنی برابری» (۲).
«خداوند عدالت را برقرار نمود، بدین نحو که به هر صاحب استعدادی، آنچه که استحقاق داشته عطا نمود و حق هر صاحب حقی را ادا کرد تا کار عالم به سامان شد و راست آمد» (۳).

ه. عدالت در اصطلاح فقها

«عدالت ملکه نفسانی است که موجب می شود انسان از گناهان کبیره دوری کند و اصرار بر گناهان صغیره، و آنچه منافی مروت است نداشته باشد» (۴).
«عدالت ملکه نفسانی است که موجب می شود انسان از گناهان کبیره اجتناب کند» (۵).
«عدالت ملکه نفسانی است که موجب می شود انسان واجبات را انجام دهد و محرمات را ترک کند» (۶).

و. عدالت در اصطلاح بعضی اندیشمندان

مرحوم نراقی عدالت را این گون تعریف می کند: «عدالت آن است که عقل عملی مطیع قوه عاقله بوده و از او در جمیع تصرفات خود تبعیت نماید» (۷). انقیاد عقل عملی نسبت به قوه عاقله آن است که حق هر یک از قوه‌ها به او داده شود و در جای شایسته خود قرار گیرد.

شهید مطهری عدالت را این گونه تعریف می کند: «آن استحقاق و آن حقی که هر بشری به موجب خلقت خودش و به موجب کار و فعالیت خودش به دست آورده است به او داده شود، نقطه مقابل ظلم است آنچه را

۱- طباطبای، محمد حسین (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۷۴. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

۲- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۶ ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۲۲. بیروت: دار المعرفه.

۳- فیض کاشانی، محسن. (۱۴۱۶ ق) تفسیر صافی. تحقیق: اعلمی، حسین، ج ۵، ص ۱۰۷. چاپ دوم، تهران، مکتبه الصدر.

۴- طباطبای یزدی، محمد کاظم، (۱۴۰۹ ق). العروه الوثقی، ج ۱، ص ۸۰۰. چاپ دوم. بیروت: مؤسسه اعلمی.

۵- حکیم طباطبایی، محسن، (۱۳۸۹ ش). مستمسک العروه، ج ۷، ص ۳۳۲. چاپ سوم. نجف: مطبعه الادب.

۶- خمینی، مصطفی، (۱۴۱۸ ق). تحریر العروه الوثقی، ج ۲، ص ۱۷. چاپ اول. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

۷- نراقی، محمد مهدی، (؟). جامع السعادات. تحقیق: کلاتر، محمد، ج ۱، ص ۶۸. نجف اشرف: مطبعه النعمان.

که فرد استحقاق دارد به او ندهند و از او بگیرند، نقطه مقابل تبعیض است دو فردی که در شرایط مساوی قرار دارند موهبتی را از یکی دریغ ندارند و از دیگری دریغ ندارند» (۱).

در نتیجه تمام این تعاریف به این دو تعریف که مبنایی ترین تعریف از عدالت است، خلاصه می شود:

۱. عدالت به معنای «وضع کل شیء فی موضعه» (۲). قرار دادن هر چیز در جای مناسب خویش.

۲. عدالت به معنای «اعطاء کل ذی حق حقه» (۳). هر صاحبی حق را به حقش رساندن.

۲- تفاوت عدالت با حق و انصاف و قسط

حق امر است ثابت که قابل تغییر و تبدیل نیست مگر این که ذی حق از حق خودش صرف نظر کند، مثل حق والدین، حق همسایه و... چنانکه امام علی (ع) فرمود: «فإنَّ الحقَّ القديم لا یبطله شیء» (۴). حق ثابت و دائمی است و چیزی او را باطل نمی کند.

أما عدل اعطا و رساندن حق است به ذی حق بنابراین عدالت مرحله اجرایی حق است. انصاف عبارت از رفتار عادلانه است، که استعمال اکثری در تقسیم مال و حقوق دارد، در انصاف اعطا و دادن مطرح است. اما در عدالت هم اعطا و دادن است وهم گرفتن است، مثل قطع دست سارق، می گویند عدالت اجرا شد، اما واژه انصاف را به کار نمی برند. أما قسط عدالت آشکار است و می توان آن را مشاهده کرد؛ و از این رو میزان و ترازو را قسط می نامد، اما عدالت اعم از آشکار و نهان است. بنا بر این عدل، انصاف و قسط به یک معناست، أما در موارد استعمال، تفاوتی باهم دارند (۵).

۱- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸ ش). مجموعه آثار، ج ۱۸، ص ۱۵۴. چاپ اول. انتشارات صدرا.

۲- مازندرانی، محمد صالح بن احمد، (۱۳۸۲ ق). شرح الکافی - الأصول والروضه (للمولی صالح المازندرانی). تحقیق: شعرانی، ابوالحسن، ج ۲، ص ۳۷۸. چاپ اول. تهران: المكتبة الإسلامية.

۳- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، (۱۳۸۵ ق). دعائم الإسلام. تحقیق: فیضی، آصف، ج ۱، ص ۳۶۷. چاپ دوم. قم: مؤسسه آل البيت (ع).

۴- ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، (۱۴۰۴ ق). شرح نهج البلاغه لابن أبی الحدید، تحقیق: ابراهیم، محمد ابوالفضل، ج ۱، ص ۲۶۹. چاپ اول. قم: مكتبة آية الله المرعشی النجفی.

۵- فصلنامه علمی، پژوهشی دانشگاه قم، سال هشتم، شماره دوم.

۳. اهمیت عدالت

اسلام اهمیت فوق‌العاده به عدالت داده است و آن را در تمام مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و حقوقی شرط اساسی دانسته است؛ و در ذیل به اهمیت و ضرورت عدالت را از منظر آیات و روایات در ابعاد معنوی، اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و ارزشی، به چند مورد اشاره می‌شوند:

الف. نگرش اسلام به عدالت همه جانبه است،

در اسلام هم به امور تکوینی به مسئله عدالت نگریسته شده؛ و هم به امور تشریحی؛ و در امور تشریحی نیز، هم به امور اجتماعی و هم به امور فردی، هم در بعدی مادی و هم در بعدی معنوی و هم در بعد اخلاق مورد توجه است.

۱- **عدالت در شهادت:** خدای سبحان به مؤمنین دستور می‌دهد که بدی‌ها و دشمنی‌ها نباید شما را از راه عدالت بیرون کند به گونه‌ای که حتی با دشمنانان به عدالت رفتار کنید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا»^(۱). ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا با تمام وجود قیام کنید و به انصاف و عدالت گواهی دهید و هرگز دشمنی با قومی، شما را به بی‌عدالتی وادار نکنند. به عدالت رفتار کنید که به تقوا نزدیک‌تر است. در اسلام دایره عدالت به حد وسیع است که حتی در مورد دشمنان نیز به رفتار عادلانه دستور داده می‌شود.

و نیز به مؤمنین دستور می‌دهد که منافع مادی، بستگان و نزدیکان و فقر و غنی، نباید شما را از عدالت بیرون کنند: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا»^(۲). ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید، هرچند به زیان خودتان یا [به زیان] پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد. «وَأَشْهِدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُعَظِّمُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»^(۳). و... دو مرد عادل از خودتان را گواه گیرید و شهادت را برای خدا برپا دارید این چیزی است که مؤمنان به خدا و روز قیامت به آن اندرز داده می‌شوند.

^۱ - مائده (۵) آیه ۸.

^۲ - نساء (۴) آیه ۱۳۵.

^۳ - طلاق (۶۵) آیه ۲.

این آیات به دو مطلب اشاره دارد، یکی دایره وسیع عدالت را بیان می‌کند، که در اجرای عدالت در هیچ موردی نباید چشم پوشی کرد، چه به نفع باشد چه به ضرر، چه در مورد پدر و مادر و خویشاوندان باشد چه در مورد افراد دیگر، چه غنی باشد چه فقیر. و دیگر این که هدف از اجرای عدالت جلب رضایت خدا است، برای رسیدن به این هدف بزرگ انسان باید از منافع خود بگذرد، از پدر و مادر و اقارب خود بگذرد و نگاه به فقیر و غنی نکند تا رضایت خدای سبحان را که سعادت ابدی است به دست آورد.

۲- عدالت در رفتار: خدای سبحان مؤمنین را به رفتار عادلانه سفارش می‌کند: «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (۱). به عدالت رفتار کنید که به تقوا نزدیک‌تر است.

۳- عدالت در گفتار: خدای سبحان به سخن گفتن عادلانه سفارش می‌کند: «وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى» (۲). در سخن گفتن عدل را به کار بندید، هرچند به زیان خویشان شما باشد. یعنی بر اساس عدل سخن گوید و به آن نیز وفادار باشید.

۴- عدالت در حکم: برای قضاوت درباره اهل کتاب نیز به اجرای عدالت سفارش می‌کند: «وَإِنْ حَكَمْتَ فَأَحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (۳). و اگر میان آن‌ها داوری کنی با عدالت داوری کن که خداوند عادلان را دوست دارد. و در سخن دیگر می‌فرماید: «وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (۴). هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید.

۵- عدالت در صلح: و در صلح بین افراد نیز مواظب باشید که حق از بین نرود، «فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (۵). و هر گاه بازگشت (و زمینه صلح فراهم شد)، در میان آن دو به عدالت صلح برقرار سازید و عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می‌دارد.

۶- عدالت در تجارت (امور اقتصادی): در امور دادوستد مواظب حق دیگران باشید، مبدا کم فروشی کنید، «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ» (۱). و حق پیمانانه و وزن را به عدالت ادا کنید.

۱- مائده (۵) آیه ۸.

۲- انعام (۶) آیه ۱۵۲.

۳- مائده (۵) آیه ۴۲.

۴- نساء (۴) آیه ۵۸.

۵- حجرات (۴۹) آیه ۹.

این آیات به دو نکته اشاره دارند، یکی این که خدای سبحان به صورت مطلق می‌فرماید که در شهادت، در رفتار، در گفتار، در حکم و تجارت عادلانه باشید، فرق نمی‌کند که مخاطب شما کیست، دوست است یا دشمن، فقیر است یا غنی، صاحب قدرت است یا ضعیف و مظلوم؛ و دیگر این که خدای سبحان در این آیات قسط و عدالت اجتماعی را به عنوان پایه و اساس معیار قضاوت معرفی می‌کند.

امام علی (ع) در باره رفتار عادلانه چنین می‌فرماید: «عَلَيْكَ بِالْعَدْلِ فِي الْعَدُوِّ وَالصَّدِيقِ، وَالْقَصْدِ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَى.»^(۲) بر تو باد به رعایت کردن عدالت در باره دوست و دشمن، و میانه‌روی در حال نداری و دارایی. یعنی اجرای عدالت منحصر به یک قوم خاص، نژاد خاص، مذهب خاص، دوستان، دشمنان، خویشاوندان، اغنیا و فقرا نیست، باید رفتار عادلان برای همه مردم اعم از دوست و دشمن فقیر و غنی به صورت یکسان باشد. حضرت علی (ع) به محمد بن ابی بکر هنگام که وی را به حکومت مصر منصوب کرد چنین نوشت: «وَأَسِ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَالنَّظَرَةِ، حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظْمَاءُ فِي حَيْفِكَ لَهُمْ وَلَا يَبْتَاسَ الضُّعَفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِمْ»^(۳). تساوی در بین آن‌ها حتی در نگاه‌هایت را مراعات کن، تا بزرگان کشور در حمایت بی دلیل تو طمع نورزند، و ضعفا در انجام عدالت از تو مأیوس نشوند. و آن حضرت در باره عدالت فردی چنین می‌فرماید: «غَايَةُ الْعَدْلِ أَنْ يَعْدِلَ الْمَرْءُ فِي نَفْسِهِ»^(۴). و حق پیمانانه و وزن را به عدالت ادا کنی.

نهایت عدالت این است که آدمی در باره خویشتن به عدالت رفتار کند. یعنی عدالت را باید در خودش اجرا کند، نسبت به حقوق دیگران و نسبت به حقوق اعضا و جوارح خودش. امام صادق (ع) می‌فرماید: «أَلَا أُخْبِرُكَ بِأَشَدِّ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ ثَلَاثٌ قُلْتُ بَلَى قَالَ إِنْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ وَ مُوَاسَاةُكَ أَخَاكَ وَ ذِكْرُ اللَّهِ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ»^(۵). آیا تو را خبر دهم از شدیدترین چیزی که خدا بر همه آفریدگانش واجب کرده است سه چیز است؟ راوی گفت بله، حضرت فرمود: انصاف دادن با مردم و مواسات و برابری با برادران دینی و در هر مکانی یاد خدا کردن. منظور از انصاف یعنی هر امری در جای خود و متناسب با حق خود رعایت شود. به عبارت دیگر رعایت اعتدال در امور و پرهیز از افراط و تفریط به معنی رعایت انصاف در امور می‌باشد. امام می‌فرماید

^۱ - انعام (۶) آیه ۱۵۲.

^۲ - تمیمی آمدی، عبدلواحدبن محمد (۱۳۶۶ ش). تصنیف غرر الحکم و دررالکلم. محقق، درایتی، مصطفی. ح ۸۰۵۸. چاپ اول.

قم: دفتر تبلیغات.

^۳ - نهج البلاغه، نامه ۲۷.

^۴ - همان، ح ۴۷۵۷.

^۵ - همان. ص ۱۴۵.

که رفتار عادلانه منحصر به یک گروه خاص نیست، باید همه در حد توانش و در حیطة مسئولیتش به انصاف و عدالت رفتار کنند.

ب. در اسلام دین و قوانین دینی بر اساس عدالت است.

امام علی (ع) فرمود: «الْعَدْلُ حَيَاةُ الْأَحْكَامِ» (۱). عدالت، زندگی و جان احکام است. از نظر اسلام قوانین و مقررات که بر اساس عدالت وضع شده باشند چنین قوانینی زنده و پویا است؛ و با اقامه عدالت احکام دین زنده می‌ماند یعنی به احکام دین عمل می‌شوند. و آن حضرت در سخن دیگر فرمود: «الْعَدْلُ رَأْسُ الْإِيمَانِ وَجَمَاعُ الْإِحْسَانِ» (۲). عدالت اساس ایمان و جامع احسان و نیکوکاری است. در اسلام عدالت از اصول ایمان است، همه‌ای حسنات و نیکی‌ها در عدالت جمع است و به همین جهت است که شیعه اعتقاد دارد، که اعتقاد به عادل بودن خدای سبحان از اصول دین است.

ج. در اسلام تحقق و اجرای عدالت یک هدف است.

هدف از اجرای عدالت حفظ حق و حمایت از حق است، عدالت ترازو و میزان است که حق الله و حق الناس باید طبق این میزان سنجیده شود تا هم حق الله حفظ شود و هم حق الناس. امام علی (ع) فرمود: «إِنَّ الْعَدْلَ مِيزَانُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ الَّذِي وَضَعَهُ فِي الْخَلْقِ وَنَصَبَهُ لِإِقَامَةِ الْحَقِّ فَلَا تُخَالِفُهُ فِي مِيزَانِهِ وَلَا تُعَارِضُهُ فِي سُلْطَانِهِ» (۳). به راستی که عدالت میزان و ترازوی خدای سبحان است که در میان مردم برقرار کرده، و برای برپاداشتن حق نصب فرموده، پس در میزان الهی با او مخالفت نکن، و در پادشاهی او با وی معارضه و برابری نکن. امام علی (ع) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَمَرَ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَنَهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالظُّلْمِ» (۴). به راستی که خدای سبحان به عدالت و احسان دستور فرموده، و از زشتی‌ها و ظلم نهی نموده است. یعنی تمام خوبی‌ها و زیبایی‌ها در عدالت جمع است، هر کار که مطابق عدالت باشد زیبا است، بنابراین هدف از اجرای عدالت رسیدن به امنیت و آسایش است، رسیدن به کمال است، رسیدن به زیبایی است، رسیدن به درجه اعلاى انسانیت است و

۱- تیممی آمدی، عبدلواحدبن محمد (۱۳۶۶ ش). تصنیف غرر الحکم و دررالکلم. محقق، درایتی، مصطفی، ح ۱۷۰۲. چاپ اول. قم: دفتر تبلیغات.

۲- همان، ح ۱۰۲۰۶.

۳- تیممی آمدی، عبدلواحدبن محمد (۱۳۶۶ ش). تصنیف غرر الحکم و دررالکلم. محقق، درایتی، مصطفی، ح ۱۶۹۶. چاپ اول. قم: دفتر تبلیغات

۴- همان، ح ۱۰۲۱۲.

رسیدن به مقام قرب الهی است. و آن امام نیز چنین فرمود: «جَعَلَ اللَّهُ الْعَدْلَ قِوَامًا لِّلْ أُنَامِ وَ تَنْزِيهَاً عَنِ الْمَظَالِمِ وَ الثَّامِ وَ تَسْنِيَةَ الْإِسْلَامِ» (۱). خداوند عدل را قرار داده است برای پایداری مردم و پاکیزگی از ظلم و گناهان. عدالت موجب سربلندی و شکوفایی اسلام است. حضرت در این سخن هدف از عدالت را دو چیز می‌داند، یکی پاکی و طهارت از گناه؛ و هدف دیگر از عدالت قدرت و عظمت و شکوفای اسلام است.

امام صادق (ع) عدالت را یکی از نیازهای ضروری انسان می‌داند و چنین فرموده است: «تَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ يَحْتَاجُ النَّاسُ طُرّاً إِلَيْهَا الْأَمْنُ وَ الْعَدْلُ وَ الْخِصْبُ» (۲). سه چیز است که مردم واقعاً به آن نیاز دارند و برای آن‌ها ضروری است: امنیت، عدالت، وسعت و فراوانی. در واقع وجود امنیت و رفاه منوط به اجرای عدالت است، اگر عدالت اجرا شد امنیت رفاه به وجود می‌آیند. بنابراین هدف از اجرای عدالت امنیت و رفاه انسان‌هاست.

د. در اسلام واگذاری مسئولیت‌های مهم منوط به داشتن عدالت است.

در مکتب اسلام واگذاری بسیار از مسئولیت‌ها منوط به داشتن عدالت است، که به چند مورد اشاره می‌شود: امام علی (ع) فرمود: «دَوْلَةُ الْعَادِلِ مِنَ الْوَأَجِبَاتِ» (۳). دولت شخص عادل از واجبات (و از اموری است که ثابت و پابرجا است). یعنی سپردن امور حکومتی به افراد عادل از واجبات است، بنابراین مردم باید در انتخاب حکام مواظب باشند، فرد یا افراد را انتخاب کنند که عادل باشند و از حاکمان عادل حمایت کنند و بر علیه حاکمان جور قیام کنند.

خداوند متعال در قرآن کریم به این مهم دستور می‌دهد و آن را بر انسان واجب می‌داند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (۴). همانا خداوند (مردم را) به عدل و احسان فرمان می‌دهد. در این آیه خدای سبحان به صورت مطلق امر به عدالت می‌کند یعنی در هر کاری عدالت را رعایت کنید از جمله در واگذاری مسئولیت‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی. «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (۵). ای داوود

۱- لیثی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶ ش) عیون الحکم والمواظ. تحقیق، حسنی برجندی، حسین، ح ۴۳۵۵، ص ۲۲۳. چاپ اول. قم: دارالحدیث.

۲- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳ ه) تحف العقول عن آل الر سول (ص). تحقیق غفاری، علی اکبر، ص ۳۲۰. چاپ دوم. قم: مؤسسه النشر الاسلامی لجماعه المدرسین.

۳- همان، ح ۷۷۳۹.

۴- نحل (۱۶) آیه ۹۰.

ما تو را در زمین جانشین خود قرار دادیم پس حکم کن بین مردم به حق (و عدل). خدای سبحان مقام خلافت را به این شرط به داوود (ع) می‌دهد که به عدالت رفتار کند، یعنی واگذاری مسئولیت را منوط به عادل بودن می‌داند.

این‌گونه است که خدای سبحان، یکی از هدف‌های عمده پیامبران را برپا داشتن عدل و قسط معرفی می‌کند. از این روست که همه انبیاء و اولیای الهی عدالت را به عنوان یک اصل مهم و اساسی مبنای امور عبادی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی خود قرار داده‌اند؛ و برای اجرای این اصل مهم از هیچ تلاش و کوششی دریغ نور زدند و تعداد زیادی از انبیاء و اولیای الهی برای اجرای عدالت رنج‌ها و مشکلات فراوانی را به جان خریدند و حتی جان و مال خود را از دست دادند، اما زره از اجرای عدالت عدول نکردند، چنانکه خدای سبحان می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (۱). حتماً به آن افرادی که نسبت به آیات خدا کافر می‌شوند و پیامبران را بغیر حق می‌کشند و افرادی را که به عدالت امر می‌کنند به قتل می‌رسانند بشارت عذابی دردناک بده. چنان که اسوه عدالت حضرت علی (ع) فرموده است: «سوگند به خدا، اگر تمام شب را بر روی خارهای سعدان (۲) به سر ببرم، و یا با غل و زنجیر به این سو یا آن سو کشیده شوم، خوش‌تر دارم تا خدا و پیامبرش را در روز قیامت، در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم، و چیزی از اموال عمومی را غصب کرده باشم» (۳).

ه. ارزش مادی و معنوی عدالت در اسلام فوق‌العاده است

پیامبر عظیم‌شان اسلام (ص) در خصوص ارزش عدالت فرمودند: «وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): عَدْلٌ سَاعَةٌ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً قِيَامٌ لَيْلُهَا وَصِيَامٌ نَهَارُهَا» (۴). یک ساعت عدالت از شصت سال عبادتی که روزهای آن روزه و شب‌های آن احیا داشته باشید، بهتر است. پیامبر اسلام (ص) در سخن دیگر فرمودند: «وَقَالَ: عَدْلٌ سَاعَةٌ

^۵ - ص (۳۸) آیه ۲۶.

^۱ - آل عمران (۳) آیه ۲۱.

^۲ - خاری سه شعبه که خوراک شتران است و سخت گزنده است.

^۳ شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۳۷۹ش). نهج البلاغه، ترجمه دشتی، خطبه ۲۲۴. چاپ اول. قم: مشهور.

^۴ - شعیری، محمد بن محمد (۹). جامع الاخبار، (لشعیری)، ص ۱۵۴. چاپ اول. نجف: مطبعة حیدریه.

خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً قِيَامٌ لَيْلُهَا وَصِيَامٌ نَهَارُهَا» (۱). یک ساعت عدالت از هفتاد سال عبادتی که روزهای آن روزه و شب‌های آن احیا داشته باشید، بهتر است.

پیامبر اسلام (ص) به علی (ع) این گونه وصیت نمود: «يا عَلِيُّ سَيِّدُ الْأَعْمَالِ ثَلَاثُ خِصَالٍ إِنْصَافُكَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ وَ مُوَاَسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ ذِكْرُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ ... يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ مِنْ حَقَائِقِ الْإِيمَانِ الْإِنْفَاقُ فِي الْإِقْتَارِ وَ إِنْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ وَ بَذْلُ الْعِلْمِ لِلْمُتَعَلِّمِ» (۲). ای علی، آقای همه رفتارها سه صفت است: با مردم به انصاف و عدالت رفتار کردن، برابری کردن با برادر دینی و یاد خدا در هر حالتی... و ای علی سه چیز، حقیقت ایمان است: انفاق کردن در حال نا داری و با مردم به عدل و انصاف رفتار کردن و آموزش علم به کسی که طالب آن است.

حضرت علی (ع) عدالت را برترین خصلت‌ها می‌داند: «الْعَدْلُ أَفْضَلُ سَجِيَّةٍ» (۳). امام صادق (ع) فرمود: «الْعَدْلُ أَحْلَى مِنَ الْمَاءِ يُصِيبُهُ الظَّمَانُ مَا أَوْسَعَ الْعَدْلَ إِذَا عُدِلَ فِيهِ وَ إِنْ قَلَّ» (۴). عدالت ورزیدن در میان مردم، شیرین‌تر از آبی است که تشنه‌کامی به آن برسد. چه قدر گسترده است عدالت ورزی در هر کاری هر چند اندک باشد. امام باقر (ع) فرمود: «ما أَوْسَعَ الْعَدْلَ: إِنَّ النَّاسَ يَسْتَنْغُونَ إِذَا عُدِلَ فِيهِمْ، وَ تُنْزِلُ السَّمَاءُ رِزْقَهَا، وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ بِرِكَتِهَا بِإِذْنِ اللَّهِ» (۵). چه گشایش آفرین است عدالت! مردم آن گاه که در میانشان عدل رعایت گردد، توانگر می‌شوند و آسمان روزی‌اش را فرو می‌فرستد و زمین برکتش را به رخصت پروردگار بیرون می‌آورد. امام علی (ع) فرمود: «الْعَدْلُ أَسَاسٌ بِهِ قَوَامُ الْعَالَمِ» (۶). عدل شالوده‌ای است که قوام و استواری جهان به آن

۱- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۴۴ ش) مشکاة الانوار فی غرر الاخبار ص ۳۱۶. چاپ دوم. نجف: المكتبة الحیدریه.

۲- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ ش) الخصال. تحقیق: غفاری، علی اکبر، ج ۱، ص ۱۲۵، ح ۱۲۱. اول. قم: جامعه المدرسین.

۳- تمیمی آمدی، عبدلواحد بن محمد (۱۳۶۶ ش). تصنیف غرر الحکم و دررالکلم. محقق، درایتی، مصطفی، ص ۴۴۶ ح ۱۰۲۰۴. چاپ اول. قم: دفتر تبلیغات. نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸ ش) مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۱، ص ۳۱۸. چاپ دوم. بیروت: مؤسسه آل‌البتیت (ع) لایحیاء التراث.

۴- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ ش). الکافی. تحقیق، غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص ۱۴۷. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الاسلامیه- آخوندی.

۵- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴ ش) من لایحضره الفقه. تحقیق علی اکبر غفاری، ج ۲، ص ۵۳. ح ۱۶۷۷. چاپ دوم. قم: جامعه المدرسین.

۶- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ش). بحار الانوار. تحقیق: جمع از محققان، ج ۷۵، ص ۸۳. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

است. یعنی اگر تو ازن و اعتدال میان اجزا و ذرات این عالم وجود نمی‌داشت نظام جهان از هم گسیخته می‌شد. و آن امام در سخن دیگر فرمود: «الْعَدْلُ فَضِيلَةُ الْإِنْسَانِ»^(۱). عدالت فضیلت انسان است. یعنی ارزش انسان به عدالت او بستگی دارد، اگر عادل بود ارزش دارد و در غیر این صورت ارزشی ندارد. موسی بن جعفر (ع) فرمود: «الْعَدْلُ أَحْلَى مِنَ الْعَسَلِ وَ لَا يَعْدِلُ إِلَّا مَنْ يُحْسِنُ الْعَدْلَ»^(۲). عدالت از عسل شیرین‌تر است؛ و عدالت نکند جز کسی که عدالت را خوب بداند. امام صادق (ع) فرمود: «الْعَدْلُ أَحْلَى مِنَ الشَّهْدِ وَالْأَيْنُ مِنَ الزُّبْدِ وَ أَطْيَبُ رِيحًا مِنَ الْمِسْكِ»^(۳). عدالت شیرین‌تر از عسل و نرم‌تر از کره و خوشبوتر از مشک است.

۴- مبانی عدالت:

عدالت در چهار حوزه مهم معارف بشری مورد بررسی قرار گرفته است:

الف. «در حوزه علم کلام و فلسفه به صورت وصف فعل خدا

ب. در حوزه علم اخلاق و وصف فعل انسان.

ج. در حوزه علوم اجتماعی و وصف قوانین بشری و روابط اجتماعی افراد»^(۴).

د. در حوزه علم فقه و وصف قوانین الهی و روابط انسان با انسان و روابط انسان با خدا.

در علم کلام و فلسفه، بحث در این است که آیا افعال می‌تواند صرف نظر از این که فاعلش خوب یا بد باشند، آیا عقل می‌تواند به طور مستقل خوبی و بدی افعال را تشخیص دهد.

در حوزه علم اخلاق، بحث در سر تنظیم عادلانه بودن قوا و صفات (عاقله، عامله، شهویه و غضبیه) انسان است، اگر قوا و صفات بر مبنای عقل، دین و فطرت شکل گیرد، عادلانه است؛ و در این صورت است که انسان به سعادت فردی و اجتماعی می‌رسد.

^۱ - تمیمی آمدی، عبدلواحد بن محمد (۱۴۱۰ ق). غرر الحکم و درر الکلم. تحقیق رجائی، سید مهدی، ح ۳۰۹، ص ۲۷. قم دار الکتب الإسلامی.

^۲ - کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷). الکافی، تحقیق، غفاری، علی اکبر، ج ۱، ص ۵۴۲. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الاسلامیه - آخوندی.

^۳ - کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). الکافی. تحقیق، غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص ۱۴۷. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الاسلامیه - آخوندی.

^۴ - حسینی، سیدرضا (۱۳۷۸ ش). فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره ۳۲.

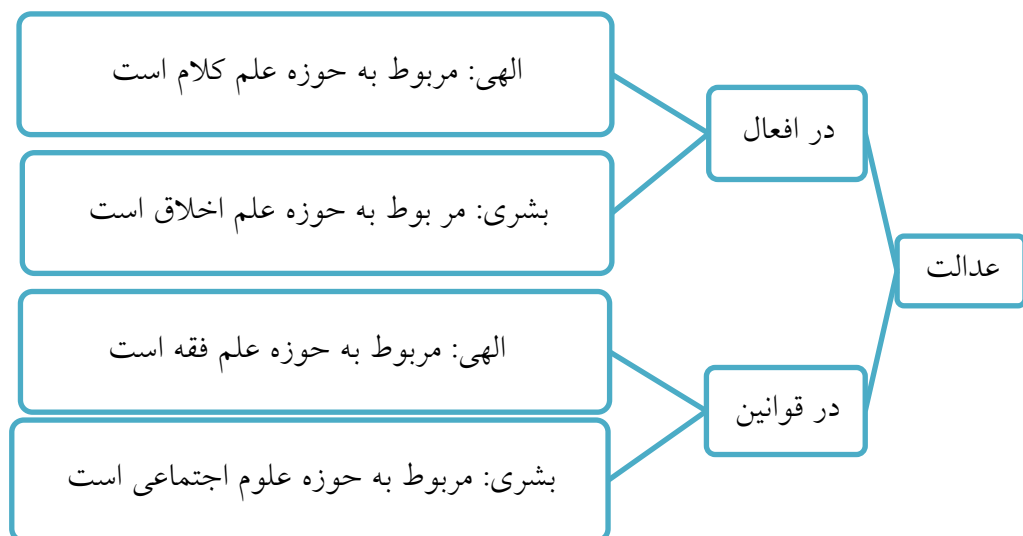
در حوزه علوم اجتماعی، قوانین و مقررات و اعمال افراد باید، به گونه‌ای باشند که به کسی ظلم نشود و حق به حق دار برسد.

در علم فقه بحث در این است که آیا در قوانین الهی در رابطه خدا با انسان، تکلیف به ما لا یطاق قبیح است؟ آیا احکام تابع مصالح و مفاسد است؟ در رابطه انسان با انسان، آیا در امامت و رهبری عدالت شرط است؟ آیا در امام جماعت، در تنظیم سند دین و مطالبات، اقامه شهادت و گواهی نسبت به خود و دیگران و... عدالت شرط است؟

در قوانین الهی، عدالت را شرط امامت و رهبری می‌داند، چنانکه خدای سبحان می‌فرماید: «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»^۱. به خاطر آور هنگامی که خدا ابراهیم را به وسیله کلماتی آزمایش نمود. پس وی آن‌ها را به انجام رسانید. خدا به ابراهیم فرمود: من حتماً تو را پیشوای مردم قرار می‌دهم. ابراهیم گفت: از نژاد من (نیز پیشوای قرار بده) خدا فرمود: ستمگران به عهد من نائل نخواهند شد. یعنی شرط امامت و رهبری عدالت است.

۵. اقسام عدالت

در یک تقسیم بندی کلی می‌توان عدالت را به صورت ذیل تقسیم نمود:



^۱ - بقره (۲) آیه ۱۲۴.

عدل الهی نیز خود قابل تقسیم به دو نوع عدالت تکوینی و عدالت تشریحی است. مراد از عدالت تکوینی یعنی این که خلقت عالم بر اساس اعتدال آفریده شود و نسبت به آن چه امکان وجود یا اکمال در وجود را دارد رعایت استحقاق شود؛ چنانکه خدای سبحان در مورد خلقت انسان می‌فرماید: «الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ» (۱). آن خدایی که تو را به وجود آورد و به صورتی تمام و کامل بیاراست و به اعتدال (اندام و تناسب قوا) برگزید؛ و در مورد خلقت آسمان فرمود: «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ» (۲). آسمان را بالا برد و تعادل برقرار کرد؛ و در مورد خلقت کل اشیاء فرمود: «رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (۳). پروردگار ما آن کسی است که آفرینش هر چیزی را عطا کرد، سپس (او را) هدایت نمود. ظلم یعنی منع فیض و امساک وجود از موجودی که استحقاق وجود دارد.

عدالت بشری نیز خود قابل تقسیم به دو نوع عدالت فردی و اجتماعی است. **عدالت فردی**، یعنی تعدیل نمودن، قوای چهارگانه، عاقله، عامله، شهویه و غضبیه، چنانکه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «أَنْصِفِ اللَّهَ وَ أَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ وَ مِنْ خَاصَّتِكَ وَ مِنْ أَهْلِكَ وَ مَنْ لَكَ فِيهِ هَوًى» (۴). نسبت به خداوند و نسبت به مردم از جانب خود؛ و از جانب افراد خاصّ خاندانت، و از جانب رعایای که به آنان علاقمندی انصاف به خرج ده.

و در سخن دیگر می‌فرماید: «غَايَةُ الْعَدْلِ أَنْ يَعْدِلَ الْمَرْءُ فِي نَفْسِهِ» (۵). نهایت مرتبه عدالت آن است که عدالت ورزد مرد در باره خودش. در این صورت است که انسان به سعادت فردی و اجتماعی می‌رسد. **عدالت اجتماعی** یعنی رعایت تناسب، استحقاق‌ها و شایستگی‌ها و فراهم آوردن بستر مناسب و فرصت برابر برای رشد استعدادهای تمام افراد در جامعه.

به عبارت دیگر عدالت اجتماعی عبارت است از این که حق هر صاحب حقی را به او بدهند، و هرکسی به حق خودش که لایق و شایسته آن است برسد، و نه ظلمی به او بشود و نه او به کسی ظلم کند.

عدالت اجتماعی در موارد ذیل قابل تحلیل و بررسی است:

^۱ - انفطار (۸۲) آیه ۷.

^۲ - الرحمن (۵۵) آیه ۷.

^۳ - طه (۲۰) آیه ۵۰.

^۴ - ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۶۳ ش). تحف العقول، تحقیق: غفاری، علی اکبر، ص ۱۲۷. چاپ دوم. قم: جامعه مدرسین.

^۵ - لیلی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶ ش). عیون الحکم و المواعظ (للیلی)، تحقیق، حسنی برجندی، حسین، ص ۳۴۹. چاپ اول. قم: دار الحدیث

مسائل اخلاقی، دینی، سیاسی، اداری، اقتصادی، نظامی، حقوقی، آموزشی، تربیتی و فرهنگی.

۶. آثار عدالت

در جامعه ای که ظلم نشود و عدالت اجرا شود چنین جامعه‌ای به طور قطع مورد لطف و محبت پروردگار قرار خواهند گرفت؛ و اجرای عدالت در جامعه، آثار و فواید فراوانی در پی دارد، که در ذیل به چند مورد اشاره می‌شوند:

۱- حیات موجودات

امام علی (ع) فرمود: «الْعَدْلُ حَيَاةٌ»^(۱). عدالت، زندگی است. یعنی حیات تمام موجودات بستگی به اجرای عدالت دارد، اگر عدالت اجرا نشود نظم عالم بهم می‌خورد و جهان نابود می‌شود.

۲- حیات احکام و قوانین الهی

امام علی (ع) فرمود: «الْعَدْلُ حَيَاةُ الْأَحْكَامِ»^(۲). عدالت، زندگی و جان احکام است. یعنی در جامعه که عدالت نباشد، ظلم و فساد وجود داشته باشد، احکام و قوانین الهی در آن جامعه جریان ندارد و زنده نیست.

۳- اصلاح جهان

امام علی (ع) فرمود: «الْعَدْلُ يُصْلِحُ الْبَرِيَّةَ»^(۳). عدالت، جهان را اصلاح می‌کند. اگر مردم به عدالت رفتار کنند و حاکمان و فرمان‌روایان عادل باشند جهان اصلاح می‌شوند. اگر امروز شاهد این همه ویرانی، جنگ و نزاع، کشتار، غارت، گرسنگی و... هستیم به جهت این است که مردم به عدالت رفتار نمی‌کنند و حاکمان عادل وجود ندارند.

۴- قوام مردم و حکومت

^۱ - تمیمی آمدی، عبدلواحدبن محمد (۱۳۶۶ هـ). تصنیف غرر الحکم و دررالکلم. محقق، درایتی، مصطفی، ح ۱۶۹۹، ص ۹۹. چاپ اول. قم: دفتر تبلیغات.

^۲ - همان، ح ۱۷۰۲.

^۳ - همان، ح ۷۷۴۸، ص ۳۳۹.

اگر در طول تاریخ، اقوام و حکومت‌ها و شهرها نابود شدند، به جهت این بوده که عدالت در آنجا اجرا نشده، چنانکه خدای سبحان می‌فرماید: «وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ» (۱). و ما هیچ شهری را نابود نکردیم، مگر آنکه ساکنین آن ستمگر بودند. از این آیه، به خوبی استفاده می‌شود که ظلم و بی‌عدالتی در جامعه موجب زوال و هلاکت جامعه خواهد بود. امام علی (ع) فرمود: «الْعَدْلُ قِوَامُ الْبِرِّيَّةِ» (۲). قوام و دوام انسان و جامعه‌ی انسانی بر اساس عدل و توازن استوار است. امام علی (ع) فرمود: «الْعَدْلُ قِوَامُ الرَّعِيَّةِ» (۳). عدالت بر پا دارنده رعیت است. و نیز فرمود: «الْعَدْلُ قِوَامُ الرَّعِيَّةِ وَ جَمَالُ الْوَلَاةِ» (۴). عدالت برپا دارنده رعیت و زیور و زیبایی زمامداران است؛ و این روایات صراحت دارند بر این که ظلم و بی‌عدالتی در جامعه موجب زوال و هلاکت مردمان آن جامعه می‌شود؛ و اجرای عدالت در جامعه موجب بقای و آسایش مردم و عزت حکومت می‌شود. امام علی (ع) فرمود: «اعْدِلْ تَدْمُ لَكَ الْقُدْرَةُ» (۵). به عدالت رفتار کن تا قدرت و حکومت تو پایدار بماند. و در سخن دیگر فرمود: «ثَبَاتُ الدَّوْلِ بِإِقَامَةِ سُنَنِ الْعَدْلِ» (۶). ثبات و پایداری دولت‌ها با برپا داشتن شیوه‌های عدالت و دادگستری است یعنی هر دولتی به عدالت رفتار کند بقا و دوام دار، و در غیر این صورت زایل می‌شود. و در سخن دیگر فرمود: «مَنْ عَمِلَ بِالْعَدْلِ حَصَّنَ اللَّهُ مُلْكَهُ» (۷). کسی که به عدالت رفتار کند خداوند سلطنت او را محکم و محفوظ دارد. او در سخن دیگر فرمود: «ثَبَاتُ الْمُلْكِ بِالْعَدْلِ» (۸). پایداری حکومت به داد گری است. از این روایات به خوبی استفاده می‌شود که اجرای عدالت موجب بقایی حکومت‌ها است و ظلم و بی‌عدالتی موجب زوال حکومت‌هاست.

۵- هم‌نشینی رسول خدا (ص)

^۱ - قصص (۲۸) آیه ۵۹.

^۲ - تمیمی آمدی، عبدلواحد بن محمد (۱۳۶۶ هـ). تصنیف غرر الحکم و دررالکلم. محقق، درایتی، مصطفی، ح ۷۷۵۱، ص ۳۳۹.

چاپ اول. قم: دفتر تبلیغات.

^۳ - همان، ح ۷۷۵۰.

^۴ - همان، ح ۷۷۵۷.

^۵ - همان، ح ۷۷۶۰.

^۶ - همان، ح ۷۷۶۱.

^۷ - همان، ح ۷۷۷۵.

^۸ - طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۸۴ ش). نثر اللآلئ تحقیق: زبری قایینی، محمد حسن، ترجمه شیخی، ص ۵۸. چاپ دوم، مشهد:

بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

پیامبر اسلام (ص) فرمود: «مَنْ أَخَذَ لِلْمَظْلُومِ مِنَ الظَّالِمِ كَانَ مَعِيَ فِي الْجَنَّةِ مُصَاحِبًا»^(۱). هر که حق مظلومی را از ظالمی باز ستاند همراه و مصاحب من در بهشت است. همراه بودن و مصاحبت با بهترین شخصیت عالم در بهترین مکان، اجر و پاداش کسانی است که به عدالت رفتار نموده است

۶- حفظ مرزهای مسلمانان

امام علی (ع) فرمود: «... وَ حُطُّ تُغُورِ الْمُسْلِمِينَ ... وَ الْعَمَلُ بِالْعَدْلِ فِي رَعِيَّتِكَ»^(۲). حفظ کن سرحدات مسلمانان را به واسطه عمل به عدالت در رعیت خود. از این روایت دو نکته استفاده می‌شود: اولاً، اگر فرمان‌روایان عادل باشد مردم از آن‌ها حمایت می‌کند در نتیجه آن‌ها قدرتمند می‌شوند و توان حفظ سرحدات را پیدا می‌کنند، ثانیاً، رفتار عادلانه فرمان‌روایان باعث وحدت جامعه می‌شود و با وحدت جامعه قدرت فرمان‌روایان افزایش پیدا می‌کند و در نتیجه سرحدات حفظ می‌شوند.

۷- عامل بی‌نیازی و ارزش

حضرت علی (ع) فرمود: «مَنْ عَدَلَ عَظُمَ قَدْرُهُ»^(۳). هر که عدل پیشه کند، قدرش فزونی یابد. یعنی هم در نزد خدا ارزشش افزوده می‌شود و هم در نزد مردم. و در سخن دیگر فرمود: «مَنْ عَدَلَ فِي سُلْطَانِهِ اسْتَغْنَى عَنْ أَعْوَانِهِ»^(۴). کسی که در سلطنتش عدل پیشه کند از یاری کنندگان خود بی‌نیاز می‌گردد. یعنی خدای سبحان او را به وسیله امداد‌های غیبی و یا به وسیله همه مردم یاری می‌کند و احتیاج به نیروهای مخصوص ندارد.

۸- عامل حمایت مردمی

^۱- کراجکی، محمد بن علی، (۱۴۱۰ ق) کنز الفوائد، تحقیق، نعمه، عبدالله، ج ۱، ص ۱۳۵. چاپ اول. قم: دار الذخائر.
^۲- لیشی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶ ش). عیون الحکم و المواعظ (للیشی)، تحقیق، حسنی برجندی، حسین، ص ۲۵۲. چاپ اول. قم: دار الحدیث.
^۳- همان، ح ۷۳۳۳، ص ۴۳۲.
^۴- تمیمی آمدی، عبدلواحد بن محمد (۱۳۶۶ ه). تصنیف غرر الحکم و دررالکلم. محقق، درایتی، مصطفی، ح ۷۷۷۴، ص ۳۳۹. چاپ اول. قم: دفتر تبلیغات.

امام علی (ع) فرمود: «وَتَبَجُّحِكَ بِاسْتِفَاضَةِ الْعَدْلِ فِيهِمْ مُعْتَمِدًا فَضْلَ قُوَّتِهِمْ بِمَا ذَخَرْتَ عِنْدَهُمْ مِنْ إِجْمَامِكَ» (۱).
تواز گسترش عدل در میان مردم خوش حال خواهی شد و به قوت و قدرت آنان تکیه خواهی کرد به جهت رعایت عدل.

۹- پیروزی بر دشمن

پیامبر اسلام (ص) فرمود: «مَنْ عَمَّ عَدْلُهُ نُصِرَ عَلَيَّ عَدْوُهُ» (۲). هر که عدلش فراگیر باشد بر دشمن خود پیروز شود. امام علی (ع) فرمود: «بِالسَّيْرِ الْعَادِلَةِ يُقْهَرُ الْمُنَاوِي» (۳). به وسیله سلوک و سیره عادلانه و دادگرانه است که دشمن مغلوب و مقهور می‌گردد. با توجه به اینکه رفتار عادلانه فرمان روایان، موجب حمایت توده مردم می‌شود؛ و از طرف باعث وحدت جامعه می‌شود؛ و مهم‌تر از همه مورد حمایت خدای سبحان قرار می‌گیرند، که در نتیجه پیروزی حتمی را باعث خواهد شد.

۱۰- پایداری نعمت‌ها

امام رضا (ع) فرمود: «اسْتِعْمَالُ الْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ مُؤَدِّنٌ بِدَوَامِ النِّعْمَةِ» (۴). به عدل و دادگری و نیکوکاری رفتار نمودن، عامل پایداری نعمت‌هاست.

۱۱- هماهنگی دل‌ها

حضرت فاطمه زهرا (ع) فرمود: «الْعَدْلُ تَنْسِيقًا لِلْقُلُوبِ» (۵). عدالت، مایه هماهنگی دل‌ها می‌گردد.

۱۲- افزایش رزق و برکت

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲- کراچکی، محمدبن علی، (۱۴۱۰ ق). کنز الفوائد، تحقیق، نعمه، عبدالله، ج ۱ ص ۱۳۵. چاپ اول. قم: دار الذخائر.

۳- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ق) نهج البلاغه. تحقیق: صالح، صبحی، نامه ۵۳. قم: هجرت.

۴- ابن بابویه، محمدبن علی، (۱۳۷۸ ق). عیون اخبار الرضا علیه السلام. تحقیق: لاجوردی، مهدی، ج ۲، ص ۲۴. چاپ اول. تهران: نشر جهان.

۵- طبرسی، احمدبن محمد، (۱۴۰۳ ق). الاحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی). تحقیق: خراسان، محمد باقر، ج ۱، ص ۹۹. چاپ اول. مشهد: نشر مرتضی.

امام علی (ع) فرمود: «بِالْعَدْلِ تَتَضَاعَفُ الْبَرَكَاتُ» (۱). به وسیله عدالت است که برکتها دو چندان شود. امام صادق (ع) فرمود: «إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْنُونَ إِذَا عُدِلَ بَيْنَهُمْ وَ تَنْزِلُ السَّمَاءُ رِزْقَهَا وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ بِرِكَتِهَا بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى» (۲). هر گاه عدالت در میان مردم اجرا شود همگی مستغنی می شوند، و آسمان رزقش را نازل می کند، و زمین برکتش را به فرمان خدای عزّ و جلّ برمی آورد.

۱۳- اصلاح مردم

امام علی (ع) فرمود: «بِالْعَدْلِ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ» (۳). به وسیله عدالت رعیت اصلاح شود. و او نیز چنین فرمود: «الرَّعِيَّةُ لَا يُصْلِحُهَا إِلَّا الْعَدْلُ» (۴). اصلاح رعیت به جز عدالت و دادگستری چیزی دیگری نیست.

۱۴- گسترش رحمت

حضرت علی (ع) فرمود: «مَنْ عَدَلَ فِي الْبِلَادِ نَشَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ الرَّحْمَةَ» (۵). کسی که در شهرها به عدالت رفتار کند خدای تعالی رحمت خود را بر او بگستراند.

۱۵- آبادی شهرها

امام علی (ع) فرمود: «مَا عُمِّرَتِ الْبُلْدَانُ بِمِثْلِ الْعَدْلِ» (۶). هیچ چیزی مانند عدالت باعث آبادانیشهرها نمی شود.

۱۶- عافیت

امام علی (ع) فرمود: «وَالْبَسْتُكُمْ الْعَافِيَةَ مِنْ عَدْلِي» (۱)؛ و بر شما از عدل خود لباس عافیت پوشاندم. عافیت یعنی سلامتی، امنیت و اطمینان خاطر و اینها ثمره عدالت در جامعه است.

^۱ - لیثی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶ ش). عیون الحکم والمواعظ (للیثی). تحقیق: حسنی بیرجندی، حسین، ح ۳۸۵۸، ص ۱۸۸. چاپ اول. قم: دار الحدیث.

^۲ - کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق). الکافی. تحقیق: غفاری، علی اکبر، ج ۳، ص ۵۶۸. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

^۳ - همان، ح ۳۷۵۳، ص ۱۸۵.

^۴ - همان، ح ۱۲۱۵، ص ۴۸.

^۵ - همان، ح ۸۳۶۱، ص ۴۶۰.

^۶ - همان، ح ۸۸۶۴، ص ۴۸۱.

با توجه به آیات و روایات فوق، بر همه مردم مخصوصاً بر مسئولین لا زیم است که در جامعه اسلامی رفتار عادلانه داشته باشند، تا همه افراد جامعه از آثار و برکات ارزشمند آن بهره‌مند شوند و به جهت رفتار عادلانه مورد رحمت بی کران الهی قرار گیرند.

۷. نشانه‌های افراد عادل

انسان‌های عادل کسانی هستند که در رفتارهای فردی و اجتماعی، به عدالت پایبند باشند، و حقوق دیگران را محترم بشمارند، و برای شناخت افراد عادل نشانه‌های در روایات آمده است که در ذیل به چند مورد اشاره می‌شوند:

۱- عادل آنچه بر خود می‌پسندد، بر دیگران نیز می‌پسندد. چنانکه پیامبر اسلام فرموده است: «أَعْدَلُ النَّاسِ مَنْ يَرْضَى لِلنَّاسِ مَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ وَ كَرِهَ لَهُمْ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ»^(۱). عادل‌ترین مردم کسی است که آنچه را برای خود می‌پسندد، برای مردم نیز بپسندد و آنچه را بر خود روا نمی‌دارد، بر مردم نیز روا ندارد؛ و همین حدیث با کمی اختلاف از امام صادق (ع) نقل شده است که آن حضرت فرمود: «أَعْدَلُ النَّاسِ مَنْ رَضِيَ لِلنَّاسِ مَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ وَ كَرِهَ لَهُمْ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ»^(۲).

۲- عادل نسبت به دیگران انصاف دارد. چنانکه امام علی (ع) فرموده است: «أَعْدَلُ النَّاسِ مَنْ أَنْصَفَ مِنْ ظُلْمٍ»^(۳). عادل‌ترین مردم کسی است که انصاف بورزد به کسی که نسبت به او ستم کرده است. و در سخن دیگر فرمود: «أَعْدَلُ النَّاسِ مَنْ أَنْصَفَ عَنْ قُوَّةٍ»^(۴). عادل‌ترین مردم کسی است که انصاف بورزد نسبت به خود با وجود قدرت بر خلاف آن.

^۱ - شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغه (للصبحی صالح)، خطبه ۸۷. چاپ اول. قم: هجرت

^۲ فتال نیشابوری، محمد بن احمد، (۱۳۷۵ ش). روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط - القدیمة)، ج ۲، ص ۶۶۵. چاپ اول. قم: انتشارات رضی.

^۳ - ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ ق). منلیحضره الفقیه، تحقیق: غفاری، علی اکبر، ج ۴، ص ۳۹۵. چاپ دوم. قم: دفتر

انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

^۴ تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۳۶۶ ش). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق: درایتی، مصطفی، ص ۳۹۴. چاپ

اول. قم: دفتر تبلیغات.

^۵ - همان.

۳- افراد عادل ستم نمی‌کنند.

۴- افراد عادل دروغ نمی‌گویند.

۵- افراد عادل خلف وعده نمی‌کنند. چنانکه امام رضا (ع) از پدران‌ش به نقل از رسول خدا (ص) نشانه‌های افراد عادل را این‌گونه بیان می‌کند: «مَنْ عَامَلَ النَّاسَ فَلَمْ يَظْلِمُهُمْ وَ حَدَّثَهُمْ فَلَمْ يَكْذِبْهُمْ وَ وَعَدَهُمْ فَلَمْ يُخْلِفْهُمْ فَهُوَ مُؤْمِنٌ كَمَلَتْ مُرُوَّتُهُ وَ ظَهَرَتْ عَدَالَتُهُ وَ وَجِبَتْ أُخُوَّتُهُ وَ حَرَمَتْ غَيْبَتُهُ» (۱). کسی که در رفتار با مردم به آنان ستم روا ندارد، در گفتارش به آنان دروغ نگوید، در وعده‌ای که به آن‌ها می‌دهد، خلاف نکند، چنین کسی جوانمردی‌اش تمام، عدالتش آشکار، برادری با او واجب و غیبت کردنش حرام است.

۶- افراد عادل از غفلت دیگران سو استفاده نمی‌کنند. «فَلَمْ يَكُنْ مِنَ الْعَدْلِ أَنْ يُحْرَمَ هَوْلَاءِ الْإِنْتِفَاعِ بِهَذِهِ الْخَصَلَةِ لِتَضْيِيعِ أَوْلِيكَ حَظَّهُمْ مِنْهَا» (۲). از عدالت نیست که به خاطر عدم آگاهی و غفلت یک گروه که حق خود را نادیده می‌گیرند و سود خود را از این امر نمی‌برند، گروهی دیگر از بهره‌جویی و استفاده از این امر محروم گردند.

۷- افراد عادل بر اساس ظن و گمان داوری نمی‌کنند. امام علی (ع) فرمود: «لَيْسَ مِنَ الْعَدْلِ الْقَضَاءُ عَلَى التَّنَقُّهِ بِالظَّنِّ» (۳). داوری نمودن بر اساس گمان، نسبت به کسی که مورد اعتماد است، از عدالت نیست.

۸- افراد عادل نگاهش نسبت به دیگران یکسان است، یعنی رفتارشان بر اساس عدل انصاف است.

۹- افراد عادل کار ناشایسته و ناپسند انجام نمی‌دهند.

۱۰- افراد عادل به پاداش الهی امیدوار و از کیفر او هراسناک است، (۴).

با توجه به روایت فوق در می‌یابیم که زمانی جامعه اسلامی به سعادت و آرامش می‌رسد که تمامی افراد آن به صفت عدالت، آراسته شده و در گفتار و رفتارشان به آن پایبند باشند. در جامعه‌ای که عدالت وجود دارد،

^۱ علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام، (۱۴۰۶ ق). صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، تحقیق: نجف، محمد مهدی، ص ۴۷. چاپ اول. مشهد: کنگره جهانی امام رضا (ع).

^۲ مفضل بن عمر، (؟). توحید المفضل، تحقیق: مظفر، کاظم، ص ۸۴. چاپ سوم، قم: داوری.

^۳ شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغه (للصبحی صالح)، حکمت ۲۲۰. چاپ اول. قم: هجرت.

^۴ - همان، نامه ۵۹.

صفا، صمیمیت و اعتماد وجود دارد؛ و چنین جامعه‌ای در مسیر رشد و کمال و در جهت تقرّب به خدای عادل است.

نتیجه گیری:

- ۱- عدل در لغت: برابری، میانه روی، معتدل، شریک، فدیة و ضد جور و ستم است.
 - ۲- عدل در قرآن مفهوم گسترده دار و من جمله: تناسب، برابری، شریک، حکم، انحراف و فدیة.
 - ۳- عدالت تعاریف متعدد دارد، که در نتیجه تمام این تعاریف به این دو تعریف که مبنایی ترین تعریف از عدالت است، خلاصه می شود:
- الف. «وضع کل شیء فی موضعه». ب. «اعطاء کل ذی حق حقه».
- ۴- اهمیت عدالت:
- اسلام اهمیت فوق العاده به عدالت داده است و آن را در تمام مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و حقوقی شرط اساسی دانسته است. اهمیت عدالت را می توان در چند بخش مطرح نمود:
- نگرش اسلام به عدالت همه جانبه است. عدالت اساس دین است. واگذاری مسئولیت های مهم منوط به داشتن عدالت است. ارزش مادی و معنوی عدالت در اسلام فوق العاده است.
- ۵- مبانی عدالت:
- عدالت در چهار حوزه مهم معارف بشری مورد بررسی قرار گرفته است: «در حوزه علم کلام و فلسفه، در حوزه علم اخلاق. در حوزه علوم اجتماعی. در حوزه علم فقه.
- ۶- در یک تقسیم بندی کلی می توان عدالت را به صورت ذیل تقسیم نمود:
- الف. عدالت در افعال؛ و این خود قابل تقسیم به عدالت در افعال الهی و عدالت در افعال بشری است.
- عدالت در افعال الهی نیز خود قابل تقسیم به دو نوع عدالت تکوینی و عدالت تشریحی است.
- عدالت در افعال بشری نیز خود قابل تقسیم به دو نوع عدالت فردی و عدالت اجتماعی است.
- ب. عدالت در قوانین؛ و این نیز خود قابل تقسیم به عدالت در قوانین الهی و عدالت در قوانین بشری است.
- ۷- آثار عدالت
- در جامعه ای که ظلم نشود و عدالت اجرا شود چنین جامعه ای به طور قطع مورد لطف و محبت پروردگار قرار خواهند گرفت؛ و آثار و فواید فراوانی نصیب چنین جامعه می شود.

۸ . نشانه های عدالت

برای شناخت افراد عادل نشانه های در روایات آمده است که در ذیل به چند مورد اشاره می شود:

۱. عادل آنچه بر خود می پسندد، بر دیگران نیز می پسندد، نسبت به دیگران انصاف دارد. ستم نمی کنند.. دروغ نمی گویند.. خلف وعده نمی کنند. از غفلت دیگران سو استفاده نمی کنند. بر اساس ظن و گمان داوری نمی کنند. نگاهش نسبت به دیگران یکسان است. کار ناشایسته و ناپسند انجام نمی دهند.. به پاداش الهی امیدوار و از کیفر او هراسناک است.

در پایان ذکر این نکته لازم است، که هدف بنده از این پژوهش این بوده که شاید بی توانم قطره ای از دریایی معرفت قرآن و روایات معصومین(ع) را در این نوشتار بیان نمایم. از خداوند متعال برای معرفت بیشتر استمداد می جویم. خداوند را شاکرم که توفیق دیگری حاصل شد که این مقاله را نیز در راستای علوم اسلامی بنویسم تا شاید به ترویج دین مبین اسلام نقش کوچکی داشته باشم.

منابع

- ۱- قرآن.
- ۲- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، (۱۴۰۴ ق). شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید. تحقیق : ابراهیم، محمد ابولفضل. چاپ اول. قم : مکتبه آیة المرعشی النجفی.
- ۳- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، (۱۴۰۵ ق). عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیہ. تحقیق : عراقی، مجتبی. چاپ اول. قم : دار سید الشهداء للنشر.
- ۴- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ ق). من لا یحضره الفقیه، تحقیق : غفاری، علی اکبر. چاپ دوم. قم : دفتر انتشارات اسلامی وابسطه به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۵- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲ ش). الخصال. تحقیق : غفاری، علی اکبر. چاپ اول. قم : جامعه المدرسین.
- ۶- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸ ق). عیون اخبار الرضا (ع). تحقیق : لاجوردی، مهدی. چاپ اول. تهران : نشر جهان.
- ۷- ابن بابوی، محمد بن علی، (۱۴۰۴ ق). من لا یحضره الفقیه. تحقیق : غفاری، علی اکبر. چاپ دوم. قم : جامعه المدرسین.
- ۸- ابن بابوی، محمد بن علی، (۱۳۹۸ ق). التوحید (للسدوق). تحقیق : حسینی، هاشم. چاپ اول. قم : جامعه المدرسین.
- ۹- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، (۱۳۸۵ ق). دعائم الاسلام. تحقیق : فیضی، آصف. چاپ دوم. قم : مؤسسه آل البيت.
- ۱۰- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۶۳ ش). تحف العقول عن آل الرسول (ص). تحقیق : غفاری، علی اکبر. چاپ دوم. قم : مؤسسه النشر الاسلامی لجماعه المدرسین.
- ۱۱- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ ق). معجم مقاییس اللغة. تحقیق هارون، عبد السلام محمد. چاپ اول. قم : مکتب الاعلام الاسلام.
- ۱۲- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). لسان العرب. چاپ سوم. بیروت : دار صادرات.
- ۱۳- تیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۳۶۶ ش). تصنیف غررالحکم و دررالکلم. تحقیق : درآیتی، مصطفی.

چاپ اول. قم : دفتر تبلیغات.

- ۱۴- ثقفی، ابراهیم ابن محمد ابن سعید ابن هلال، (۱۴۱۰ ق). الغارات (ط-القدیمئه). تحقیق : حسینی، عبد الزهراء. چاپ اول. قم : دار الکتب اسلامی.
- ۱۵- جوهری، اسماعیل بن حماد (؟). الصحاح. تحقیق احمد عبد الغفور. چاپ اول. بیروت : دارالعلم.
- ۱۶- حسینی، سید رضا، (۱۳۷۸ ش). فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هشتم، شماره ۳۲.
- ۱۷- حکیم طباطبایی، محسن، (۱۳۸۹ ش). مستمسک العروة. چاپ سوم. نجف : مطبعة الادب.
- ۱۸- خمینی، مصطفی، (۱۴۱۸ ق). تحریر العروة الوثقی. چاپ اول. قم : مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۱۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). مفردات الفاظ القرآن. چاپ اول. بیروت : دار القلم.
- ۲۰- شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغه، تحقیق : صالح، صبحی. چاپ اول. قم: هجرت.
- ۲۱- شعیری، حمد بن محمد (؟). جامع الاخبار (لشعیری). چاپ اول. نجف : مطبعة حیدریه.
- ۲۲- طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم : مؤسسه النشر اسلامی.
- ۲۳- طباطبایی یزدی، محمد کاظم، (۱۴۰۹ ق). العروة الوثقی. چاپ دوم. بیروت : مؤسسه اعلمی.
- ۲۴- طبرسی، احمد بن محمد، (۱۴۰۳ ق). الاحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی). تحقیق : خراسانی، محمد باقر. چاپ اول. مشهد : نشر مرتضی.
- ۲۵- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۸۴ ش). نثر الالکی. تحقیق : زبری قایثنی، محمد حسن، ترجمه شیخی. چاپ دوم. مشهد : بنیاد پژوهش های اسلامی.
- ۲۶- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۶ ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت : دار المعرفه.
- ۲۷- طبرسی، علی بن حسن، (۱۳۸۵ ش). مشکاة الانوار فی غرر الاخبار. چاپ دوم. نجف : المكتبة الحیدریه.
- ۲۸- علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام، (۱۴۰۶ ق). صحیفه الامام الرضا علیه السلام، تحقیق : نجف، محمد مهدی. چاپ اول. مشهد : کنگره جهانی امام رضا (ع).
- ۲۹- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، (۱۳۷۵ ش). روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، (ط-القدیمئه). چاپ اول. قم : انتشارات رضی.

- ۳۰- فراهید، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ ق). العین. چاپ دوم. قم : نشر هجرت.
- ۳۱- فصلنامه علمی، پژوهشی دانشگاه قم، سال هشتم، شماره دوم.
- ۳۲- فیض کاشانی، محسن، (۱۴۱۶ ق). تفسیر صافی. تحقیق : اعلمی، حسین. چاپ دوم. تهران : مکتبه الصدر.
- ۳۳- قرشی بنایی، علی اکبر، (۱۴۱۲ ق). قاموس قرآن. چاپ ششم. تهران : دار الکتب اسلامیہ.
- ۳۴- قیومی، احمد بن محمد (؟) . المصباح امنیر. چاپ دوم. قم : دارالہجرت.
- ۳۵- کراچکی، محمد بن علی، (۱۴۱۰ ق). کنز الفوائد. تحقیق : نعمه، عبدالله. چاپ اول. قم : دار الذخائر.
- ۳۶- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵ ش). الکافی. تحقیق : غفاری، علی اکبر. چاپ چهارم. تهران : دارالکتب الاسلامیہ - آخوندی.
- ۳۷- لیشی واسطی، علی بن محمد، (۱۳۷۶ ش). عیون الحکم و المواعظ. تحقیق : حسنی برجندی، حسین. چاپ اول. قم : دارالحدیث.
- ۳۸- مازندانی، حمد صالح بن احمد (۱۳۸۲ ق). شرح الکافی - الاصول و الروضه (للمولی صالح المازندرانی). تحقیق : شعرانی، ابولحسن. چاپ اول. تهران : المکتبه الاسلامیہ.
- ۳۹- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ ق). بحار الانوار. چاپ دوم. بیروت : مؤسسہ الوفا.
- ۴۰- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸ ش). مجموعه آثار. چاپ اول. قم : انتشارات صدرا.
- ۴۱- مفضل بن عمر، (؟) . توحید المفضل. تحقیق : مظفر، کاظم. چاپ سوم. قم : داوری.
- ۴۲- مولی، جلال الدین محمد بن محمد (۱۳۷۹). مثنوی معنوی. چاپ دوم. تهران : گیتی.
- ۴۳- نراقی، محمد مهدی، (؟) . جامع السعادات. تحقیق : کلانتر، محمد. نجف اشرف : مطبعه النعمان.
- ۴۴- نوری طبرسی، میرزا حسین، (۱۴۰۸ ش). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. چاپ دوم. بیروت : مؤسسہ آل بیت (ع) لاحیاء التراث.

فهرست مطالب:

۱	چکیده.....
۱	واژگان کلیدی.....
۱	مقدمه.....
۲	سؤال اصلی تحقیق.....
۲	سؤالات فرعی تحقیق.....
۲	مفهوم عدالت.....
۲	الف. در لغت.....
۳	ب. در قرآن.....
۴	ج. در روایات.....
۵	د. عدالت از دیدگاه مفسرین.....
۶	ه. عدالت در اصطلاح فقها.....
۶	و. عدالت در اصطلاح بعضی اندیشمندان.....
۷	تفاوت عدالت با حق و انصاف و قسط.....
۷	اهمیت عدالت.....
۷	الف. نگرش اسلام به عدالت همه جانبه است.....
۱۰	ب. در اسلام دین و قوانین دینی بر اساس عدالت است.....
۱۱	ج. در اسلام تحقق و اجرای عدالت یک هدف است.....
۱۲	د. در اسلام واگذاری مسئولیت‌های مهم منوط به داشتن عدالت است.....
۱۳	ه. ارزشمادی و معنوی عدالت در اسلام فوق‌العاده است.....
۱۵	مبانی عدالت.....
۱۶	اقسام عدالت.....

آثار عدالت..... ۱۷

نشانه های افراد عادل..... ۲۲

نتیجه گیری..... ۲۵

منابع..... ۲۷